

## بررسی افت تحصیلی دانش آموزان دختر ابتدایی

زینب سلمان وندی

کارشناس آموزش و پرورش ابتدایی

### چکیده

افت تحصیلی یکی از مشکلات عمده دانش آموزان دختر و خانواده های آنها و سیستم مدیریت آموزش و پرورش در گیلانغرب است. بطوریکه نگرانی عمیقی در بین اقشار جامعه و آموزش و پرورش ایجاد کرده و اینده نه چندان روشنی را رقم می زند. و آن را به یک مشکل روانی - اجتماعی تبدیل کرده است. در گیلانغرب به دلیل ازدیاد دلایل و عوامل مستعد کننده و همچنین شواهد و حوادث گوناگون نشان می دهد که آمار افت تحصیلی دانش آموزان دختر بالا تر برود. هدف اصلی این طرح تعیین شیوع افت تحصیلی دختران از نظر وضعیت خانواده با ابعاد گوناگون آن است. اولین عاملی که تاثیر بازدارنده و مخربی بر روی کارایی، تحرک، روح و جسم دختران دارد عدم اطلاع خانواده ها از نیاز های آنان و رشد سریع جامعه بسوی مدرنیزه شدن است. شناسایی عوامل بازدارنده خانواده در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر مخصوصا در دوره ابتدایی که از لحاظ سنی مقطع حساس زندگی آنان است، اهمیت شایانی دارد.

واژگان کلیدی: افت تحصیلی، دانش آموزان دختر

## مقدمه

تحقیق و پژوهش در این مورد منجر به شناسایی این عوامل و کمک به کارشناسان در تسریع رفع موانع برای برنامه ریزی هر چه کامل تر، صرف جویی در هزینه ها، زمان و هدایت دختران دانش آموز فنی و حرفه ای فرزانه گیلانغرب مسیر های اصلی زندگی و ایجاد انگیزه برای ادامه تحصیل، آینده پر بارتر و کاهش ظلم و تبعیض و نابرابری هادر این منطقه محروم خصوصا حاشیه شهر و مناطق روستایی است.

### اهداف پژوهش

• هدف کلی این پژوهش ریشه یابی علل افت و ترک تحصیل دختران دوره های ابتدایی در ابعاد مختلف خانواده در گیلانغرب می باشد.

### • اهداف اختصاصی

#### سؤالهای پژوهشی / فرضیه های پژوهشی

سوال هایی که این پژوهش در صدد پاسخ گویی به آن ها می باشد شامل موارد زیر است :

- علل افت تحصیلی دختران دوره های ابتدایی در گیلانغرب چیست؟
- آیا ازدواج یکی از علل افت و ترک تحصیل دختران است؟
- آیا مسایل خانوادگی باعث افت و ترک تحصیل دختران می شود؟
- آیا دوری آموزشگاه محل تحصیل باعث افت و ترک تحصیل دختران می شود؟
- آیا حاشیه نشینی در شهر باعث افت تحصیلی دختران می شود؟

### متغیر های پژوهش

متغیر مستقل : متغیر مستقل در این تحقیق افت و یا ترک تحصیل دختران در دوره های ابتدایی می باشد.

متغیر وابسته: متغیر وابسته در این تحقیق عواملی از جمله محل زندگی، وضعیت مالی، سطح معلومات والدین، تعصبات محلی و خانوادگی، تاثیر اینترنت و موبایل، و..... می باشد

متغیر ملاک: شامل انگیزه تحصیل و متغیرهای پیش بینی شامل شیوه های برخورد و تربیت فرزندان، ترکیب خانواده ها، یادگیری دروس و محل یادگیری در محل سکونت، استرس و نگرانی های حاصله از رفتارها و نگاههای عامه پسند مردم، نگرش به زن و تحصیل زنان، ساختار خانواده و روابط آنها باهم دیگر

جامعه، نمونه آماری و روش نمونه گیری

جامعه آماری این پژوهش را دانش آموزان دختر ۱۲-۱۹ ساله فنی و حرفه ای فرزانه گیلانغرب را تشکیل می دهد.

از بین دختران فنی و حرفه ای تعدادی به صورت تصادفی انتخاب و طی جلساتی بصورت عمومی و خصوصی با آنان در مورد افت تحصیلی و شرایط خانوادگی آنان صحبت شد

ابزار اندازه گیری و جمع آوری اطلاعات و روش تجزیه و تحلیل داده ها

ابزار های مورد استفاده در این پژوهش عبارتند از :

۱. مصاحبه نیمه ساختاری،

۲. پرسشنامه،

۳. مقایسه خانواده ها از لحاظ سطح سواد و جمعیت و منطقه و محل زندگی و مدت زمان سکونت در شهر (شامل ابزار شیوه های تربیت فرزندان، ساختار خانواده، انتظارات پدر و مادر، رابطه والدین با محل تحصیل دخترانشان،)

۴. تجزیه و تحلیل داده های حاصل در دو سطوح آماری و غیر آماری

( در بخش آماری از داده های حاصله جداول، نمودارها، میانگین ها و ضرایب پایانی

در بخش غیر آماری به بررسی گفته ها و روایت های مختلف و محتوایی آنها )

روش پژوهش

روش پژوهش به کار رفته در این تحقیق از نوع تحقیقات آزمایشی و کاربردی است .

بخشی از یافته های پژوهش

بین پیشرفت های تحصیلی دختران دوره های فنی و حرفه ای در کل نمونه با شرایط خانواده، محل زندگی، سطح سواد و معلومات والدین، و تفاهم اخلاقی و رفتاری بین والدین، امکانات فردی و خانواده گی دانش آموزان دختر، اخلاق و رفتار سالم والدین خصوصا پدر و برادر بزرگتر، ساختار خانواده (سلسله مراتب قدرت در خانواده)، انتظار والدین از فرزندان، رسیدگی و تهیه مایحتاج تحصیلی دختران، عدم تبعیض بین فرزندان دختر و دختر، رابطه معنا دارای وجود دارد .

بخشی از پیشنهادها

• تحقیقاتی در خصوص آموزش بیشتر ویژه اولیا و مربیان منطقه گیلانغرب انجام پذیرد.

• در برنامه آموزشی خانواده ها بر نقش این عوامل بازدارنده در تحصیل دختران و نقش والدین در شکل گیری خصوصیات شخصیتی دختران تاکید بیشتری گردد.

• نظر به اینکه رابطه بین متغیر های خانواده ها، شخصیتی دختران و پیشرفت تحصیلی آنان رابطه مستقیمی وجود دارد مربیان در ارائه راهکارها به دانش آموزان دختر می بایست حتما به نسبت خانواده آنها، محل زندگی، شرایط زندگی نهایت دقت و ملاحظات فردی را در نظر داشته باشند.

بررسی و دلایل افت تحصیلی دانش آموزان دوره های ابتدایی و فنی و حرفه ای دخترانه در سطح مدیریت آموزش و پرورش

گیلانغرب .

• مشکلات یک معلم:

اولین چیزی که به ذهنم آمد بررسی مشکلات بود از یک طرف معلم بود . معلمی که روزانه حداقل شش ساعت را در کلاس می گذراند و بقیه روز را باید برای رفع مشکلاتش اختصاص دهد . مشکلاتی همچون با خانواده بودن ، رفع مایحتاج خانواده، استراحت، مطالعه و صدها کاری که در روز باید انجام داد . آیا یک معلم با چنین خصوصیتی می تواند نقش چندان مثبتی در این میان داشته باشد. و در طرف دیگر سیستم مدیریتی آموزشگاه . با بیش از ۵۰۰ دانش آموز و دهها مشکل ریز و درشت اداری و محیط آموزشگاه و بالاتر از آن مدیریت کل شهرستان و در رده بالا تر اداره کل آموزش و پرورش و مقابل همه اینها خانواده دانش آموزان با سلیقه های متفاوت و آگاهی های بسیار کم از ساختار آموزش و پرورش

• کلید واژه های برای تحقیق:

همین مقدمه ای که در ذهن داشتم بعنوان کلید واژه های تحقیق برای ریشه یابی این مسله برگزیدم

الف) دانش آموزان : ۱- دانش آموز ۲- دختران دانش آموز ۳- دانش آموزان دوره ابتدایی ۴- دانش آموزان هنرستان ۵-

آموزشگاه ۶- مدیریت آموزشگاه ۷- اداره آموزش و پرورش ۸- خانواده دانش آموزان

ب) اقتصاد

ج) اجتماع

د) سیاست

شواهد موجود حاکی از آن بود که نظام آموزشی گیلانغرب در مقاطع تحصیلی با افت تحصیلی و بی انگیزگی دانش آموزان

نسبت به آموزش مواجه است.

علت این کاهش علاقه و در نتیجه افت تحصیلی دانش آموزان چیست؟

ایا فقط مقوله مدیریت وقاطع نبودن مسولین است ؟

با کند و کاوی اندک نسبت به خانواده دانش آموزان یک نکته دیگر نیز مزید بر علت شد. "خانواده".  
خانواده

خانواده ها ارتباط خوبی با آموزشگاهها نداشتند. از وضع تحصیلی فرزندانیشان با خبر نمی شدند و حتی بدنبال اندک اطلاعاتی که به آنها کمک کند که چرا فرزندانیشان مردود شده اند و یا با کم سوادی روبرو هستند؟ نبودند. حلقه های زنجیر یکی یکی نمایان می شدند. ۱- دانش آموز ۲- معلم ۳- مسولین آموزشگاه ۴- مدیریت اداره ۵- مدیریت استان ۵- خانواده

یکی دیگر از حلقه ها که توجه اصلی مرا به خود جلب کرد کتب درسی بود

تفاوت محتوای درسی کتابها با دوران تحصیلی معلمان

انچه من در دوران تحصیلی دانش آموزی و دانشجویی خوانده بودم با آنچه امروزه در محتوای کتابهای درسی گنجانده شده بود تفاوت زیادی داشت. این اولین نشانه مثبتی بود که نشان می داد که سیستم آموزش و پرورش کشور همواره در حال تغییر بوده است. آنچه در این کتابها آمده بود با معلومات من بعنوان یک معلم تازه استخدام شده همخوانی نداشت. مطالعه مجدد آنها و یاد گیری آنها را باید در برنامه کاری خودم قرار می دادم. و شمشین حلقه زنجیر یعنی کتب درسی هم به دیگر حلقه ها پیوست.

بررسی اولین حلقه زنجیر این تحقیق

دانش آموز

دانش آموز های دوره فنی و حرفه ای عمدتاً جوان بوده و از خانواده های با دیدگاههای متفاوت و طبقات متفاوت و فرهنگ متفاوت هستند

یک نکته مشترک در بیشتر مدارس هنرستان دخترانه و دخترانه گیلانغرب وجود داشت وان اینکه بیشتر محصلین از خانواد های بودند که در زمانی نه چندان دور از روستا به شهر مهاجرت کرده اند و هنوز بخشی از درآمد خانواده آنها از راه کشاورزی تامین می شود.

یک نکته که با پرسش از دانش آموزان و پرونده تحصیلی آنان داشتم اغلب آنها در دوره تحصیلی ابتدایی دارای پیشرفتهایی خوبی بوده اند و نمرات درسی آنان در حد قابل قبولی است اما با تغییر دوره به راهنمایی یک دخترت و تغییر بسیار محسوس و نگران کننده وجود دارد.

بیشتر خانواده های این دانش آموزان یک دیدگاه سنتی و عامیانه نسبت به تحصیل مدرسه و معلم دارند

هرچند که در داخل خانواده اولین موردی که در مورد بچه ها گفته می شود مبحث تحصیل آنان است اما یک بحث عمقی و قابل پی گیری نیست و تنها در حد حرف زدن و نصیحت و پند و اندرز است

درکل همه خانواده ها دوست دارند فرزندانیشان بیشترین و بهترین پیشرفت تحصیلی را داشته باشد و از طرف دیگر، افت تحصیلی، برای آنها موضوعی غیر قابل پذیرش است. والدین از این که فرزندانیشان به هنگام ورود به دوره های فنی و حرفه ای دچار افت می شود، متعجب شده و سؤال می کنند که چرا دیگر فرزندانیشان انگیزه ای برای درس خواندن ندارد؟ در داخل بیشتر خانواده های شهر گیلانغرب دلایل ضعف و مشکلات تحصیلی دانش آموزان عمدتاً به مسائلی از قبیل تنبلی و بی خیالی و بازیگوشی استناد می شود اما قاطعانه دنبال علل و ریشه ان را نمی گیرند.

در طول زمان تحصیل اغلب خانواده ها بدلیل استمرار وجود مدرسه و مشغله های زندگی و شرایط اجتماعی و اقتصادی پیش آمده کمتر وقتی برای برنامه ریزی اقتصادی آموزش کودکان خود دارند و هنوز این برنامه زندگی، جایگاهی در میان خانواده ها پیدا نکرده است. آنان زمانی به اهمیت قضیه پی می برند و در مورد آن حداقل حرف می زنند زمانی است که با ترک تحصیل و یا مردودی کودکانشان مواجه می شوند در این زمان است که به بازنگری آنچه رخ داده است می پردازند و با حساب دخل و خرج

خانواده در طول مدت تحصیل به عمق فاجعه پی می برند. این مورد در میان خانواده های که دو فرزند دانش آموز یا بیشتر دارند نمود بیشتری دارد و دختران بیشتر از دختران در این مورد سرزنش می شوند.

#### نمره بیست

نظام سنتی آموزش در ابتدایی یک اشکال بزرگ و توقع بی جایی را در خانواده ها ایجاد کرده است: نمره ۲۰ نظام آموزشی ابتدایی این پیام را به خانواده ها داده است که دانش آموز خوب، دانش آموزی با معدل ۲۰ است حتی این انتظار در سطح جامعه هم ایجاد شده و در انواع تبلیغات خودنمایی می کند.

نمره ۲۰ سمبل کارآیی و توانمندی شده درحالی که فاقد پشتیبانی است.

پدر و مادرها هم ترجیح می دهند فرزندى با نمره ۲۰ داشته باشند.

نمره بیست ملکه ذهن بسیاری از خانواده ها است. این مسله در روستا بسیار خود نمایی می کند. دانش آموز خوب در روستا دانش آموزی است که بیشترین نمره بیست را دارد. در شهر مسله به شدت روستا نیست. در خانواد های که پدر و مادر یا یکی از آنها سواد دارد خصوصا در ادارات مشغول به کار هستند تحت تاثیر تبلیغات و سخنان و پیام های که از دوستان یا مجلات و یا جلسات می شوند ظاهرا به این امر زیاد معتقد نیستند و کمتر از مردم عادی و بی سواد به نمره بیست فرزندانشان توجه می کنند اما با سوالاتی که از آنها شده است همه در باطن معتقدند که نمره بیست معیاری برای یاد گیری بیشتر کودکانشان است و اگر با نمره کمتری مواجه می شوند با سردی با آن برخورد می کنند.

داشتن نمره بیست در هنرستان شدت خود را هم در مدرسه و هم در نزد خود دانش آموز و هم خانواده از دست می دهد. تنوع کتب درسی و از یاد آنها و معلمان بیشتر دلیل عمده آن است. هر معلم تنها به درس و پیشرفت درسی خود اهمیت می دهد ارتباط دروس توسط تعداد معلم ها بهم می خورد. اخلاق معلمان با هم فرق دارد. هر معلمی که با روی گشاده و قیافه جذاب تری وارد کلاس می شود و با دانش آموزان بیشتر ارتباط حسی و عاطفی برقرار کرد در درس خود موفق تر خواهد بود. اما روند نمره بیست همچنان در صدر قرار دارد حتی معلمان، دانش آموزان را با نمره رده بندی می کنند. هر چند معیار بهتری هنوز برای این رده بندی پیدا نشده است. اما معیار خوبی نیست.

#### نتیجه گیری:

در اکثر خانواده ها بعد از اینکه فرزندانشان وارد هنرستان می شوند از این مرحله پیشرفت و شروع یک مرحله دیگر از زندگی کودکانشان به ساده گی می گذرند و آن را یک روند عادی می دانند. با بیشتر این خانواد ها چه در شهر و چه در روستا صحبت کردم و آنها تنها جوابی که داشتند این بود که همه چیز عادی است تنها مکان مدرسه عوض شده است و کودکانشان به نوجوانی تبدیل شده است که حالا به جای یک معلم با چند معلم و کتاب های جدید و بیشتری مواجه شده است.

ضمن اینکه نه تنها هیچ تغییری در رفتار شان ظاهر نمی شود بلکه بعنوان شروع یک درد سر جدید برای خانواده شان از آن نام می برند. آنها برای ثبت نام دخترانشان که حالا بزرگتر شده اند و به مرحله نوجوانی رسیده اند باید به دهستانهای اطرف بروند. این مشکل در روستاهای که مدرسه راهنمایی ندارد زیاد بچشم می خورد و حتی در چند مورد ممانعت از تحصیل دختران نیز دیده شده است. مثلا در روستای قره موسی لو دختران چند روستای اطراف نیز می آمدند و کلاسی که تشکیل می شد دانش آموزان چند روستا را در بر می گرفت.

اغلب خانواده این دانش آموزان زمانی که با افت تحصیلی و نمره کم آنها مواجه می شوند به جای مشاوره و یا یافتن راه مناسب به دنبال سرکوب کردن آنها هستند غافل از اینکه عوامل متعددی دست به دست هم داده و باعث بروز چنین مشکلی شده اند. در شهر با خانواده های که در این مورد صحبت می کردم رفتار آرام تری نسبت به خانواد های روستایی داشتند. هر چند که عدم آگاهی نسبت به موضوع افت تحصیلی در هر دو یکی بود. یعنی هیچ یک از خانواد ها دلیل خاصی که بتوان بر روی آن متمرکز شد و در باره آن صحبت کرد نداشتند

به هر حال یک مسئله بسیار نگران کننده وجود داشت. به جرات می توان گفت که والدین، مدارس، معلمان و سایر افراد در ارتباط با موضوع مسائل تحصیلی دانش آموزان، بسیار ساده انگارانه و سطحی رفتار می کنند.

#### **پیشنهادهای:**

حال به رفتارهای خانواده ها و خانواده دانش آموزان و روحیات یک دانش آموز دوره ابتدایی شهر گیلانغرب در ارتباط با افت تحصیلی می پردازم.

بطور یقین مانند بیشتر دنیادرشهر گیلانغرب و حومه خانواده اولین مکانی است که کودک در آن زندگی می کند و تربیت می یابد. خصوصاً شش سال اول زندگی یک نوع تربیت سنتی و عرفی خانواده گی شکل می گیرد. از سال ۱۳۸۲ به بعد با افزایش مهد کودک ها و آمادگی ها این روند به پنج یا چهار سالگی رسیده است. ان هم با نقایص بسیاری روبرو است. که دلیل آن تخصصی نبودن و نداشتن مربیان کار آمد و آموزش دیده است. در بیشتر مهد کودک ها و امادگی ها پیش دبستانی گیلانغرب کودکان به جای یاد گیری بعنوان دایه از آنها مواظبت می کنند و بیشتر نقش یک نگهدارنده و ساکت کننده بچه ها را دارند. در چند مورد حتی تنبه بدنی کودکان در این مراکز گزارش شده است.

منبع:

افت تحصیلی دانش آموزان، ایرانیان، رضا، نشر ملی، ۱۳۸۵